

احساس عدم امنیت زنان در خانه و خیابان

Photo: grigvovan//depositphotos.com

راضیه امیری

«به دوستم تجاوز شد، چون ساعت ۲۱ شب تنها به خانه برمی گشت. من اگر این کار را نکنم مورد تجاوز قرار نمی گیرم». این یک واگویه ایست که فرد به خودش می گوید تا بتواند با فرافکنی جنایتی که اتفاق افتاده است، برای خود احساس امنیت دروغین ایجاد کند و خودش را راضی کند که نوع کنش او و دوستانش موجب تجاوز به آنان می شود نه نوع خواست فردی که این فعل از آن اوست.

جدای از غلط بودن این نگرش، ولی خود این واگویه و اقناع شخصی، ثابت می کند که چه اندازه افراد نیازمند احساس امنیت هستند.

احساس امنیت زنان را چگونه می توان تعریف کرد؟ بر اساس تعاریف آکادمیک احساس امنیت زنان عبارت است از میزان آرامش خاطر ذهنی و روانی زنان درباره اینکه در زندگی روزمره خود چقدر در برابر خطرات احتمالی و خشونت علیه آن ها در خانواده مصونیت دارند. این احساس به واکنش عاطفی زنان نسبت به خشونت احتمالی می پردازد.

اکثر زنان - خصوصاً در کشورهای توسعه نیافته - خشونت خانگی را تجربه کرده اند. از این رو بحث احساس امنیت از آنجا که در برهم کنش تنگاتنگی با بحث خشونت خانگی دارد، بجاست در اینجا به این بحث بپردازیم که چگونه فقدان احساس امنیت برای زنان می تواند، تلخی و ناخشنودی برای این زنان خشونت دیده به همراه بیاورد.

اگر که در نظر بگیریم در خیلی از جوامع و خصوصاً توسعه نیافته، اینکه جنس مذکر حق اعمال خشونت دارد، گویی اصلی پذیرفته شده است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در یک مقاله [دانشگاهی پیرامون](#) حق نانوشته جنس مذکر برای اعمال خشونت آمده است: «باورهای مردسالار حاکم بر جامعه، این خشونت ها را طبیعت مرد می داند و سعی در توجیه آن دارد و گاهی رنگ و سیاق اخلاقی و ناموسی به آن می دهد. این باورها، چنان در ذهن مرد و زن ایرانی از کودکی ریشه دوانده که اگر زن یا دختری در مقابل این خشونت ها مقاومت کند با برچسب ها و احکامی سخت تر روبه رو خواهد شد که اطرافیان و هم جنسان خود به او می دهند. نگرش های فرهنگی خانواده های ایرانی براساس تحمل و تبعیت زنان و فرزندان از درخواست های شوهر - پدر شکل گرفته است و خشونت های روزمره و محدود، تربیت در نظر گرفته می شوند؛ در نتیجه، بسیاری اوقات، فرد تحت خشونت، درکی از ستم وارد بر خود ندارد؛ اما عجیب آنکه زنان این موضوع را بیشتر از مردان توجیه می کنند.»

البته در ایران کنونی شاید بتوان گفت زنان در فضای عمومی بیش از فضای خانه، احساس عدم امنیت دارند. اتفاق تلخی که برای زنان اصفهانی در پاییز ۳۹ اتفاق افتاد و اسیدپاشی به صورت دختران جوان آن شهر به بهانه حجاب و یا بدحجابی، نشان داد چگونه حکومت نیز همدست دیگر نیروها علیه احساس امنیت زنان فعالیت می کند. به یاد بیاوریم که هیچ گاه عاملان آن اسیدپاشی ها شناسایی نشدند. طبیعی ست که بازداشت آنان برای جمهوری اسلامی، زحمت چندانی نمی گرفت.

نکته جالب توجه آنجاست که بر اساس یک [تحقیق دانشگاهی](#) در سال ۵۹، زنان جوان بین پوشش و احساس امنیت، رابطه پرمعنایی نمی بینند. یعنی میزان پوشیدگی بر احساس امنیت جنسی یعنی میزان ترس و نگرانی آنان از مواجهه با آزارهای جنسی تأثیری ندارد. یعنی زنان دانشجو، صرف نظر از نوع پوشش و میزان پوشیدگی، از اینکه در فضای عمومی در معرض رفتارهای جنسی آزاردهنده قرار گیرند تقریباً به یک میزان احساس ناامنی می کنند.»

دکتر «مصطفی آبروشن» یکی از اعضای انجمن جامعه شناسی، سیستم آموزشی کشور و نوع محتوای دروس فرزندان این سرزمین را دلیلی می داند که نگاه های جنسیتی را تقویت می کند و به تبع آن بر خشونت خانگی می دمد و به تبع آن احساس امنیت زنان بیش از پیش، کمتر و کمتر می شود. او می نویسد: «یکی از عوامل خشونت ورزی علیه زنان نظام آموزشی در ایران است گفتنی است که نهاد آموزش و پرورش از جمله عوامل جامعه پذیر کردن اعضای جدید جامعه است. مدرسه در ایران، تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر را تولید و در ذهن عادی سازی می کند، عده ای معتقدند که تفاوت های جنسیتی ریشه در بیولوژی و تفاوت زیستی افراد دارد اما پژوهش ها ما را به این نتیجه می رساند که ریشه تمایزات رفتاری به نوع اجتماعی شدن افراد برمی گردد. در طول دوران تحصیل اینگونه به دانش آموزان القا می شود که نقش های مردانه، افراد را در منزلت و ارزش های فرهنگی بالاتری قرار می دهد و این باور غلط به صورت بخشی از یک برنامه آموزشی پنهان در نهاد مدرسه تقویت و باز تولید می شود.»

به ادعای [او تحلیل](#) محتوای کتاب های درسی شاهدهی ست بر این نکته که همه چیز قطبی شده است و جنس ها از «کلیشه های تجویزی» پیروی می کنند و شکستن این کلیشه ها نیز نامطلوب تلقی می شود. وقتی دختران در جایگاه هایی از پیش در نظر گرفته شده می ایستند،

طبیعی است که آنچه برای آنان در زندگی با دیگر جنس جلوه می‌کند، بیش از تفاوت‌های جنسیتی است.

درواقع شاید بحث بالا بتواند اینگونه خلاصه شود که زنان ایرانی که خشونت خانگی، به شدت تقویت‌کننده احساس عدم امنیت است و با توجه به میزان بالای احساس عدم امنیت زنان، زنان ایرانی به شدت نیازمند احساس امنیت در خانه و خیابان هستند و اگر سیستم سیاسی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد این احساس را به وجود بیاورد، حداقل در خانه باید خانواده سازنده و مقوم این احساس برای زنان و دختران خانه باشد.